



## شناخت دولت

از سلسله بحث و گفتگوهای پیشگام دزفول



## گفتگوی اول: شناخت دولت

از سلسله بحث و گفتگوهای پیشگام و رفول

## سخنی با دوستان :

برای مبارزه با هر چیزی ابتدا باید آنها بشناسیم . برای درمان بیماری باید درس پزشکی خواند ، تا بتوان برای درمانش مبارزه کرد . فساد ، فقر و بیچارگی ، ظلم و ستم بیماری‌های اجتماعی هستند . برای از بین بردنشان باید علت آنها را بشناسیم و درس مبارزه با آنها را فراگیریم . ما باید بدانیم چرا جامعه ما یک جامعه طبقاتی است و در جوامع طبقاتی همیشه مبارزه طبقاتی وجود دارد ؟ چرا کارگران و زحمتکشان بوسیله سرمایه‌داران و مستغران به شکلهای گوناگون سرکوب میشوند ، ولی آسپادست از مبارزه نمی‌کشند ؟

ما باید بدانیم چرا حکومتها ، ارتش و امکانات دارند و بعضی از حکومتها دست نیانده امپریالیسم هستند ؟

باید بدانیم چرا دولت‌ها نیروهای انقلابی و خلقهای تحت ستم ما را سرکوب میکنند و حقوق مردم را پایمال میکنند ؟ آری ، ما باید صنعتی را که بر توده‌های زحمتکش مان روا میشود بشناسیم . تا بتوانیم آنها را از بین برده و یک جامعه آزاد و برابر بنیاد کنیم .

مبارزه بگ علم است . باید آنها بیاموزیم ، زیرا این علم بما میگوید که سروری واقعی انقلاب ، توده‌های زحمتکش در راس آنان کارگران هستند . به ما بیاموزد ، آگاه شویم ، با توده‌ها پیوند عمیق برقرار کنیم و به رند و آگاهی آنان کمک کنیم تا بر علیه همه ستم‌های اجتماعی منسک شده و بپاخیزیم .

علم مبارزه بماسیاموزد دینسان خلفها (کارگران - زحمتکشان و . . .) امپریالیسم و ارتجاعند ، که باید مبارزهای سخت و پیگیر را بر علیه آنان بی‌ریزی کنیم .

بادگیری چنین درسی وظیفه‌ایست که تاریخ بر دوش ما گذاشته . تاریخی که میگوید : آینده از آن انسانهای زحمتکش است . پس بیاموزیم و در عمل بیاموزیم .

## گفتگوی اول: شناخت دولت

موضوع بحث و گفتگوی ما درباره "دولت" است. درباره جگویی  
پیدایش، نفس و ماهیت آن در جامعه، اکنون می‌خواهیم کارمان را در اس  
رئینه شروع کرده و ادامه دهیم.

سؤال: در ابتدا می‌خواهیم بدانیم که دولت چگونه بوجود آمده؟

جواب: در اواخر جامعه انسانی اولیه که دامپروری و کشاورزی رونق گرفت  
و محصول بسیار از آنجا مورد نیاز آنها بود، فراهم شد. امکان تصاحب  
اصافه کار و اضافه محصول بوجود آمد و مالکیت عمومی بدستار  
گردید. بدین ترتیب اولس تنگاف و تقسیم جامعه به طبقات بوجود  
آمد و اسمعار انسان از انسان آغاز گشت.

بعد از کمی نرومنند و اکثریت محروم بدیدار شدند، با بطور گنی دو  
طبقه سمکن و سمگر با به صحنه تاریخ گذاشتند.

طبقه سمگر برای اینکه بتواند منافعی را حفظ کند، طبقه دیگر را  
مورد بهره گنی و سرکوب قرار میدهد. در نتیجه بین منافعی این دو طبقه  
نصاد تبدی بوجود آمد که سمف برخوردار و مبارزهای دانشی بین  
آنان گردید.

در این هنگام مبارزه انسانی که بتواند منافعی طبقه سمگر را حفظ کند با  
طبقه سمکن را استعمار کند، لازم آمد. این مبارز دولت بود.

بنابراین ، دولت در اثر تقسیم جامعه به طبقات آنتی ناپذیر در  
مرحله‌ای از تکامل جامعه بشری بوجود آمد .

سؤال : پس در جامعه اشتراکی اولیه دولت وجود نداشته؟

جواب : نه ، در آن جامعه ادارامور بطور منسرب بدست همه مردم بود .  
بنابراین اهمیاهی به ستار و زور نبود در بعضی کارها نیز رهبری  
بدست سالخوردهگان و افراد نابالغ و باتجربه انجام میگرفت که برای  
آنان امتیاز مادی نداشت . تنها با بوجود آمدن مالکیت خصوصی ،  
در جریان پیدایش جامعه برده‌داری بود که جامعه به طبقات محاصم  
(آنتی ناپذیر) تقسیم شد و دولت بوجود آمد .

سؤال : طبقه چیست و طبقات چگونه بوجود آمدند؟

جواب : هر جامعه گروههایی از مردم را در برنارد که از بعضی جنبهها با  
هم تفاوت دارند . مانند بردگان و برده‌داران ، دهقانان و اربابان ،  
کارگران و سرمایه‌داران که به آنها طبقات اجتماعی میگویند .  
کسانی که ثروت جامعه و ابزار تولید را در اختیار دارند یک طبقه و  
کسانی که کار میکنند و از ثروت جامعه که ثمره کار آنهاست محرومند  
طبقه دیگر هستند .

پس عامل اصلی و تعیین کننده یک طبقه ، رابطه آن با ابزار تولید  
است و نقشی که در کار اجتماعی دارد .

سؤال : مبارزه طبقاتی یعنی چه؟

جواب : چون بین طبقات ستمکش و ستمگرنضاداشتی ناپذیری وجود دارد .  
موقعیت طاقت‌فرمای زندگی طبقه ستمکش و تجاوزی که از جانب  
ستمگران به آنها میشود ، این طبقه را ناگزیر بسوی مبارزه انقلابی  
می‌کشاند که به آن مبارزه طبقاتی میگویند .

اگر ما تاریخ تکامل جامعه بشری را مطالعه کنیم ، می‌بینیم که بر است  
از مبارزه طبقاتی . مانند مبارزات بی‌امان بردگان علیه برده‌داران ،  
مبارزات مداوم دهقانان علیه اربابان و در زمان ما مبارزه طبقاتی

کارگران و زحمتکشان علیه سرمایه‌داران .

سوال : آیا راهی وجود دارد که بتوان این طبقات را با هم آشتی داد ؟  
جواب : روشنفکران وابسته به سرمایه‌داری به شکلهای مختلف تلاشی می‌کنند که بگویند : آری میشود !

ولی اگر کمی فکر کنیم می‌پرسیم چطوری ؟  
برای اینکار دو راه وجود دارد یکی اینکه ستمگران با میل و رغبت حاضر شوند از مالکیت خود بر وسایل تولید چشم پهن کنند ، که اینکار را هرگز نمی‌کنند . و دیگر اینکه توده‌های زحمتکش حاضر باشند تا ابد بردگی کنند .

دولت‌ها با تبلیغات دروغ خود سعی میکنند این نظر را رواج دهند بنا بر این میتوانیم نتیجه بگیریم این امر محالست و تنها راه رهائی ستمدیدگان مبارزه انقلابی است .

همچنین اگر آشتی طبقات ممکن بود - در آن صورت دیگر دولت بوجود نمی‌آمد .

سوال : حالا بهتر است برابری برقرار کنید که دولت یعنی چه ؟

جواب : گفتم چون طبقه ستمگر مالکیت ابزار تولید جامعه را در اختیار دارد ، و سازمانهایی چون ارتش ، پلیس ، مجلس ، دادگسری ، ادارات ، زندانها و غیره در دست او هستند تا هم منافع او حفظ شود و هم بتواند طبقه ستمکش را مورد استعمار قرار دهد ، به ابزار حاکمیتی احتیاج دارد که به آن دولت می‌گویند . پس دولت : یک سازمان طبقاتی است در خدمت منافع طبقه حاکم و وسیله‌ایست برای تسلط طبقاتی .

دولت سعی میکند این ستمگری را در چهارچوب نظم و قانون مستحکم سازد . بنا بر این میتوانیم خلاصه‌کنیم که " دولت محصول آشتی ناپذیری تضادهای طبقاتی و وسیله استعمار طبقه ستمکش است " دولت جز' روپنای هر جامعه بحساب نمی‌آید .

سؤال: روبنا وزیر بنا چه هستند؟

جواب: هنگامیکه میگوئیم ربر بنای جامعه ما سرمایه‌دارست، یعنی اینکه وسایل تولید بصورت کارخانه‌ها و دستگاههای تولیدی در تملک سرمایه‌داران است و سودی که از تولید آنها بدست میآید به جیب آنها میرود پس می‌توانیم تعریف کنیم: ربر بنا عبارتست از مجموعه نیروهای مولد (منابع طبیعی، ابزار کار و نیروی کارگر) و روابط بین آنها با توجه به شکل مالکیت وسایل تولید و موقعیت طبقات و شکل توزیع ثروت.

سرمایه‌دارها دولت سرمایه‌داری را روی کار می‌آورند، فرهنگ سرمایه‌داری را رواج میدهند و نظرات سیاسی خودشان را در جامعه پیاده میکنند. پس می‌توانیم بگوئیم، حکومت، نظریات سیاسی و فلسفه، هر، مذهب و سازمانهای سیاسی روبنای یک جامعه هستند. حال اگر ربرسای یک جامعه سرمایه‌داری باشد، یعنی وسایل تولید و ثروت جامعه در اختیار سرمایه‌داران باشد، روبنای جامعه هم سرمایه‌دارست.

بنابراین روبنا زائیده ربر بناست.

سؤال: آیا دولت برای همیشه باقی می‌ماند؟

جواب: برای همیشه نه، دولت نیز پدیده‌ای تاریخی است که در مرحله معینی از تکامل جوامع بشری بوجود آمده، همراه آن تغییر کرده و در مرحله معینی از بین میرود، و آن هنگامیست که دیگر وجود طبقات لازم نیست و جامعه‌ای آزاد و برابر که در آن از استثمار انسان توسط انسان خبری نیست پدیدار خواهد گشت.

سؤال: دولت در طول تاریخ چه تغییراتی کرده و به چه شکل‌هایی بوده؟

جواب: در طول تاریخ سه نوع اساسی دولت را که بر پایه استثمار انسانها استوار بوده‌اند میتوان نام برد:

دولت برده‌داری - دولت فئودالی - دولت سرمایه‌داری

اکنون به تعریف کوتاهی از هر کدام می پردازیم :

#### ۱ - دولت برده داری

در جامعه برده داری برای اینکه برده داران بتوانند بردگان را به اطاعت و کار اجباری وادارند و مبارزات آنها را فروشانند و روز بروز بر سرزمین های خود بفرمایند ، یک دستگاه زور و فشار لازم داشتند که بتدریج بوجود آمد و دولت نام گرفت .

در این جامعه بردگان در هیچ یک از امور اجتماعی شرکت نداشتند و هیچ حقوقی از طرف برده داران برای آنها در نظر گرفته نمیشد . چون بردگان را حیواناتی میدانستند که میتوانند حرف بزنند . دولت برده داری خشن ترین و بی برده ترین دولت استغفارگر در تاریخ بود ، که بشکلی وحشیانه با بردگان رفتار میکرد .

اما ، چون بردگان چهره نداشتند و به بدترین شکل تحت فشار بودند ، بر علیه تسلط برده داران شروع به مبارزه کردند و پس از مبارزات مداوم و خوین چون پیام معروف اسپارناکوس ، دولت برده داری بتدریج ضعیف گشت و بعد سقوط کرد و جای خود را بدولت فئودالی داد .

#### ۲ - دولت فئودالی

این نوع دولت بر روی ویرانه های جامعه برده داری بوجود آمد ، اشراف و بزرگان قبایل و سرداران ، زمینهای وسیعی را تصاحب کردند و بین اقوام و خویشان خود تقسیم نمودند .

بتدریج دهقانان بر زمین وابسته شدند ، البته این جامعه بهر حال برده داری بود زیرا نودمهای زحمتکش را دیگر نمیگشتند و ناحدهی برای آنها حقی قائل شدند ، که این در نتیجه همان مبارزات قلی بود .

دولت فئودالی مدافع منافع اشراف ، اربابان ، و روحانیون بود ، این دولت نیز مانند دولت برده داری برای اینکه بتوانند باقی بمانند احتیاج به یک تائید از طرف مذهب دانستند تا بر روی سنگر بهائیان



سربوش بگذارند. حتی می‌بینیم بعضی از آنها خودشان را فرزند خدا و یا خدا می‌خواندند مثل فرعون مصری یا در ایران که‌ها را سایه خدا میدانستند اما، به علت تضاد طبقاتی بین آنها شورش‌های دهقانی شروع شد و در جریان آنها سرمایه‌داری هم که در حال رشد بود، دولت فتوالتی را سرنگون کردند و دولت سرمایه‌داری روی کار آمد.

### ۳- دولت سرمایه‌داری یا بورژوازی

که بیشترین بحث ما درباره آنست. دولتی است که نماینده سرمایه‌داران بوده و وسیله‌ای برای به بند کشیدن طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان است. البته این دولت نسبت بدولت‌های فئالی‌ت‌های اساسی بوده است. در جامعه سرمایه‌داری شکل تولید تکامل پیدا کرد و به افراد جامعه از نظر قانون امنیازی داده شد و ظاهراً به زحمتکشان حقوق قانونی و حتی شرکت در انتخابات و سازمان‌های دولتی داده شد. قوانین محلی دوران فتوالتیسم، جایش را به قوانین سرمایه‌داری داد. نا منافع سرمایه‌داران را در همه جای مملکت حفظ کند. در اینجا برعکس دولت‌های برده‌داری و فتوالتی، مایهت دولت با حدود زیادی پوشیده است و نوعی دمکراسی ظاهری برای مردم وجود دارد. ولی وقتی برده‌ها کنار رده شود در خواهیم یافت که تنها طبقه‌ای که مالک کارخانجات، بانکها، زمینهای بزرگ، روزنامه‌ها و غیره است و از حقوق جامعه استفاده میکند سرمایه‌دار است. بعضی وظایف اقتصادی در این جامعه به عهده دولت است مانند ساختن راهها، سد سازی و از این قبیل. ولی مطالبت اقتصادی دولت سرمایه‌داری وظیفه اصلی آن نیست، چون در این جوامع این سرمایه‌داران هستند که تولید اقتصادی را کنترل میکنند نه دولت. دولت تا آنجا در فعالیت‌های اقتصادی شرکت و یا مداخله میکند که مورد نیاز استشارگران است. با این همه امکانات که طبقه حاکم دارد سرانجام بر زندگی معنوی و

فکری مردم نیرحاکم میگردد. تا زمانی که کارحاجات، راههای آهن و سایر وسائل تولید در سطح سرمایه دارانست آنها میتوانند، روزنامهها، رادیو بلوریمون، و تمام سازمانهای تعلیم و تربیت را زیر نفوذ خود درآورده و بوده زخمکش را عزیز دهند.

طبقه سرمایه دار با وقتی که به منافع او لطمه ای وارد نشده ظاهراً شکل دموکراسی بخود میگیرد. اما وقتی که سرمایه دار در معرض خطر جدی فرار گرفته دموکراسی را زیر پا گذاشته و کلی فاشیستی بخود گرفته و به سرکوب و خشنانه می بردازد.

این تعریف کلی از دولت سرمایه داری بود.

حون ما در یک جامعه طبقاتی سرمایه داری زندگی میکنیم، حتماً میخواهید در این باره بیشتر بحث کنیم، و سئوالهایی در این زمینه برانسان پیش آمده که میتواند مطرح کنید، اما، بین از آن بهتر است یکی از شما را آنچه تا حالا صحبت شده بگ نتیجه گیری کلی بکنند و بعد ادامه دهیم؟

— میوایم بگوئیم که دولت ابرار سرکوب و سهره کسی بگ طبقه از طبقه دیگر است که در اثر تضاد آنسی نابذیر طبقات ستمکش و ستمگر در مرحله ای از تکامل تاریخ بوجود آمده. شکلهای مختلفی داشته ولی ماهیت آنها یکی بوده است، یعنی استثمار انسان از انسان و در مرحله ای دیگر از تاریخ که طبقات از بین میروند دولت هم از بین رفته و جامعه ای آزاد و برابر بوجود میآید.

بسیار خوب، بحثمان را ادامه میدهیم.

سئوال: بعضی ها میگویند دولت دستگامیست که برای خدمت به مردم و دفاع از منافع آنها بوجود آمده و با میگویند برای برقراری "نظم و قانون" است. نظر شما در این باره چیست؟

جواب: این حرفها را کسانی میزنند که در خدمت طبقه حاکماندنا ماهیت استثمارگرانه آنها را از مردم پنهان کنند.

برای روشن شدن موضوع مثالهای زیادی میتوانیم بزنیم . بطور مثال در این روزها شاهد اعتصاب کارگران هستیم هنگامیکه کارگران یک کارخانه که زحمتکشترین انسانیهای جامعه ما هستند برای گرفتن حقتان دست به اعتصاب میزنند قوراسر و کله نیروهای دولتی پیدا میشود ، به آنها اهانت میکنند ، کنکشان میزنند و یا به گلوله می بندند . حالا باید از کسانی که ادعا میکنند دولت در خدمت مردم است ، پرسید : چرا همیشه دولت به حمایت از کارخانه داران و سرمایه دارانی که خون کارگران را می مکند ، کارگران را سرکوب میکند ؟ و چرا با سرمایه داران چنین عملی را نمیکند ؟ در موارد دیگر نیز میتوان چنین سئوالاتی کرد و به این نتیجه رسید که نیروهای سرکوبگر دولتی که اعتراضات کارگران و زحمتکشان را بخون می کنند ، ابزاری برای برقراری نظم و امنیت برای استعمارگرانند . چون استعمارگران میخواهند همه گویه بهره کنی را طبیعی جلوه دهند تا بدون درگیری و ناراحتی به سلطه خودشان ادامه دهند .

سلما سرمایه داران نمیخواهند کارگران دست بمبارزه بزنند ، زیرا به سود آنان نیست . پس با درست کردن حقوق و نقیصاتی که مالکیت شخصی را حفظ کند و استثمار انسان از انسان را محکم نگهدارد سلط خود را بر همه امور اجتماعی ، قانونی جلوه میدهند و سعی میکنند مردم بقبولانند که قدرت آنها عدالت و خواست خداست .

سؤال : قانون چیست ؟

جواب : در جوامع طبقاتی قانون وسیله ایست برای سلطه طبقه حاکم بر توده های زحمتکش . بطور مثال ، در جامعه فئودالی ، قانون بیگاری ابزاری در دست فئودالها برای استثمار دهقانان بود ، و در جامعه سرمایه داری استعمارگران بوسیله سرمایه داران بصورت قانونی جلوه گر میشود .

سؤال : آیا دولت میتواند بدون نیروهای سرکوبگر ( ارتش ، پلیس ، زندان

و ۱۰۰۰ وجود ناسمه باشد؟

جواب: به هیچوجه ، زیرا این نیروها پایه و اساس تسلط طبقات مسلط بر نوده مردمند ، بدون آنها دولت یک لحظه دوام نمیآورد .  
اما ، بخش وسیع نیروهای سرکوبگر از مردم زحمتکشند که سرمایه داران با سلطنت و وسیع خود آنها را بخدمت خویش در میآوردند . برای اینکار رهبری این نیروها ماسد ارتش و پلیس و غیره را خود بدست میگیرند با بدست خبره حواریان و بوکرانسان مستخدم و فوادمی نهمه می کنند که همه بصصاعت از بالا گرفته بود تا کسی تقنی در تصمیم گیری ها نداشته و دستورات را گورگورانه و بی چون و چرا اجرا کند و جرات اعتراض نداشته باشد .

سنگران برای آنها سلاح و عوامفرسی میکنند تا ماهیت طبقاتی این نیروها را برده بوسی کرده و واسعود کنند که نفس اصلی این نیروها حفظ اصبت جامعه و دفاع از مرزهای کشور است .

بنا بر این ، نیروهای سرکوبگر دو وظیفه انبانی بعهده دارند ، یکی سرکوب جنسش هائی که بر علیه سنگران سرمایه دار است ، و دیگری کسرس و بوسمه قلمرو تسلط آنان .

سؤال: برای اینکه دولت دوام بیاورد آیا فقط به رور و سرکوب موصول میشود؟

جواب: دولت برای آنکه بتواند بطور عادی ابزار بهره کتی باشد ، علاوه بر رور و فشار باید کارهائی انجام بدهد که مردم را به حمایت خود قانع کند و مردم باور کنند دولت در خدمت آنهاست!  
بسی سرمایه داران با همه قدرت و سلطنت خویش خود ، میل رادیو ، تلویزیون ، روزنامه ها ، مدارس و مراکز تنظیم و تربیت و ارابن قتل ، نلانی میکنند ذهن مردم را بطوری تربیت کنند که مردم موصول کنند همه حیرت طبیعی و عبادت . بطور مثال ، اگر کسی عدالتی ، فقر و مساوت در جامعه است ، آبرو امری عادی به حساب آورند و حتی گاهی بعضی از مردم را همان

گول میزنند که از آنها حمایت میکنند .

سرمایه‌داران میگویند که ، جامعه با همه خوبی‌ها و بدی‌ها بین کار آدم‌ها نیست بلکه کار خداست ، و در کار خدا هم نمیشود دخالت کرد ، خودش کارها را درست میکند .

و به این وسیله تلاش میکنند زحمتکشان را فریب دهند ، تا آنها به نیروی خودشان پی‌نبرند ، چون سمسگران میدانند اگر زحمتکشان به آگاهی برسند نظام ظالمانه و استثمارگرانه آنها را از بین خواهد برد .

یا میگویند ، ظلم و بدی ، فساد و خوبی و غیره در سرنسب آدم‌هاست و نمیشود آنها را تعمیر داد . به این طریق سعی میکنند عفا‌یید مردم را خراب کنند ، که اگر کسی دزدی میکند ، یا زنی فاحشه شده ، عیش این بوده که از اول آدم‌های بدی بوده‌اند . تا به این وسیله فکر تعمیر در مردم بوجود نیاید .

ولی ما میدانیم اگر در جامعه‌ای استثمار نباشد ، همه برابر باشند ، همه کار کنند و از نتیجه آن بهره‌مند گردند ، دیگر نه دردی وجود خواهد داشت و نه فاحشه‌ای که محتاج و درمانده باشد .

بنابراین میتوانیم نتیجه بگیریم ، که علت واقعی این بلاها وجود جامعه طبقاتی استثمارگر و نابرابر است .

سوال : برای انجام چنین کارهایی دولت احتیاج به هزینه بزرگی دارد ، این هزینه چگونه تامین میشود ؟

جواب : برای تامین این هزینه ، دولت در بعضی رشته‌ها بطور مستقیم خودش سرمایه‌گذاری میکند ، مانند صنعت نظیر راه آهن ، قند و شکر ، دخانیات و غیره .

یا بطور غیر مستقیم از طریق گرفتن مالیات و وام‌های دولتی . البته دولت دست‌کارهایی مانند ساختن راه و سدسازی میزند که این کارها بخودی خود بد نیستند ولی در درجه اول اینکارها در جهت

نامین منافع سرمایه‌داران میباید ، چطوری؟

بطور مثال راههای گران و اسفالتنه ساخته میشود تا اتومبیل‌ها فروش داشته باشند و شرکتهای اتومبیل‌سازی ورنگسب بشوند ، یا بسن شهرهای بزرگ و بندرها راههایی ساخته میشود تا حمل و نقل و بخت کالاهای سرمایه‌داران خارجی و داخلی آسان گردد . ولی به راههای کم خرج روستایی توجهی نمیشود . یا اگر بود بخاطر اینست که با مربوط به طرحهای نظامی است و یا به منظور حمل کالاهای شهرها به دهات میباشد ، که برای توسعه بازار فروش اجناس سرمایه‌دارانست . اس را هم بگوئیم که دولت در مقابل فشارها و آزارها مجبور میشود گاهی بجمعین کارهایی دست برند تا از رشد ناراضی و مبارزات مردم جلوگیری کند .

سوال : مالیات چیست؟

جواب : یکی از منافع اصلی درآمد دولت است که از مردم زحمتکش ، بطور مستقیم و یا بطور غیر مستقیم گرفته میشود . مالیات مستقیم بطور علنی گرفته میشود ، ولی مالیات غیر مستقیم روی اجناس مصرفی کشیده میشود مانند هند و سکر ، دخانیات که در اختیار دولت قرار دارند و همه مردم از آنها استفاده میکنند . بهر حال بک جبر روس است و آن است که فشار مالیات بردوش کارگران و سایر زحمتکشان وارد میشود ، بولی که به اس طریق مدست میآید در جهت رفاه طبعه سرمایه‌دار خرج میشود .

سوال : آیا سرمایه‌داران هم مالیات می‌پردازند؟

جواب : بله ، ولی مالیاتی که آنها می‌پردازند ، بخش کوچکی از سودی است که از استثمار کارگران مدست می‌آورند . در نتیجه درآمد دولت را بدهد های تحت اسم می‌پردازند . دولت هم با ایجاد تفریحگاهها و پارکها در محله‌های اعیان‌نشین و ساحل حیابان‌های نمیز و بر درخت و کارهایی از این قبیل ، این پول را برای رفاه سرمایه‌داران خرج

میکنند. در حالیکه در مناطق فقیرنشین شلوغی، کثیفی، و هزار جور فلاکت و بیماری وجود دارد که هیچ توجهی به آنها نمیشود.

سؤال: نقش بانکها در جامعه چیست؟

جواب: نقش بانکها نامین منافع طبقه حاکم است که از چند جهت صورت میپذیرد.

۱- بانکها پس از قبول مردم را جمع میکنند و بعد بصورت سرمایه‌های بزرگ در اختیار سرمایه‌داران قرار میدهند تا با استثمار طبقه کارگر ثروتشان زیاد شود. آنگاه از سود زیادی که بدست می‌آورند مقدار کمی به عنوان بهره به مردم داده می‌شود تا آنها حاضر شوند که بولشان را روانه بانکها کنند.

۲- بانکها بولهایی را که از مردم جمع کرده‌اند بصورت وامهای کوچک بخود آنها میدهند البته با بهره‌های کم‌ترکن که مردم گاهی مجبورند تا سه برابر آن پول را بپردازند.

۳- بانکها با استفاده از قدرت مالی خود سرمایه‌داران وابسته و بزرگ را حمایت میکنند، در نتیجه تولیدکنندگان کوچک که تاب مقاومت در برابر آنها را ندارند ورشکست میشوند. بانکها در وابسته کردن اقماد مملکت به کشورهای خارجی نقش مهمی دارند. همه اینها نشاندهنده اینست که عمل بانکها در جهت نامین منافع سرمایه‌داران است.

سؤال: گاهی اوقات دولت‌ها بعضی از کارخانه‌ها و معادن را ملی میکنند. این به چه مناسبت و ملی کردن یعنی چه؟

جواب: در بعضی ریشه‌ها که دیگر برای سرمایه‌داران نمیتواند سودآور باشد

و با روبرو ورشکستگی میروند، دولت بیاری آنها شافنه و کارخانه هایشان را می‌خرد و به اصطلاح ملی میکند.

اما، ملی کردن بمعنای کوناد کردن دست سرمایه‌داران خارجی از سرمایه‌های ملی میباشد و افتادن آنها بدست سرمایه‌داران داخلی

طنی) . و همچنین به معنای حلقی کردن منابع و برآمدههای داخلی  
بوسیله دولت کارگری میبایند .

گاهی دولتها در مقابل مبارزات مردم محمور میشوند چیزی را نمی  
کنند ، مثل ملی شدن صنعت نفت در زمان مصدق ، که بنا به عللی  
چندان دوام نمی آورد . اصلی ترین علت مسئله رهبری انقلاب  
است که دست چه طبقه ای باشد . بنابراین بنها راه ملی کردن واقعی  
منابع و سرمایه های داخلی بوسیله دولت انقلابی طبقه کارگر امکان  
پذیر است . زیرا بنگرترین و انقلابی ترین طبقه محروم در مقابل  
سرمایه دار است .

سوال : گفتید بعضی دولت های سرمایه داری از طریق دموکراسی عمل میکنند ،  
یعنی چه ؟ و دموکراسی چیست ؟

جواب : دموکراسی یعنی حکومت مردم بر مردم . و دموکراسی از نظر شکل  
حکومتی ، دولتی است که بوده ها در اداره امور مملکت حرکت دارند و  
از همه آرادسهای فردی و اجتماعی برخوردارند .

اما ، در جوامع طبقاتی دموکراسی بر ناگرس حاکم طبقاتی دارد .  
در دموکراسی بورژوازی با وجود اسباب عمومی ، سرمایه داران با همه  
قدرت اقتصادی و سیاسی عملاً همه دستگامها را در اختیار دارند و  
رحمکنان از اداره امور دولتی دور نگهداشته میشوند . در چنین  
حکومتی دموکراسی ماهیت دولت را تغییر نمیدهد . ولی وجود همین  
دموکراسی اصنام خوبی است برای طبقه کارگر ، زیرا میتواند با اسناد  
سازمانهای خود و سر روزنامه و کتاب به آگاهی رحمکنان بفرزاید ،  
از دولت اسناد کند و زودتر مشکل گردد .

اما ، باید بدانیم اس دموکراسی که در برخی از این جوامع وجود دارد ،  
دست آورد هزاران سال مبارزه بدید طبقات محروم برای گرفتن حقوقشان  
از جنگ سبگران بوده ، که به زور از طبقات حاکم گرفته اند .

سوال : فاشیسم چیست و چرا بعضی دولت ها به شکل فاشیستی در میآیند



جواب: فاشیسم به معنای نوعی حکومت دیکتاتوری مبنی بر اعمال زور و برور آشکار است که بوسیله نیروهای ارتجاعی و سرمایه‌داری برقرار میشود و هدفش حفظ حکومت سرمایه‌دارانست در صورتیکه ادامه حکومت بشکل سابق و بطور عادی امکان نداشته باشد.

در این نوع حکومت همه آزادیها زیر پا گذاشته شده، و نیروهای آزادیخواه انقلابی و توده‌های ستمکش سرکوب میگرددند.

البته بگوئیم، این نوع حاکمیت نشانه ضعف آنهاست که دچار بحران شده‌اند و راه دیگری جز این برایشان امکان ندارد.

سؤال: دولت سرمایه‌داری وابسته چگونه دولتی است؟

جواب: چون بورژوازی بطور حیانی و اساسی به سرمایه جهانی و به امپریالیسم وابسته است، بنابراین سرمایه‌داران بزرگ امپریالیستی و در رأس آنها امریکا علاوه بر غارت زحماتشان کشور خود، برای غارت و چپاول منابع و استثمار زحماتشان کشورهای عقب‌افتاده جهان، احتیاج بدولتهائی دارند که از لحاظ اقتصادی و سیاسی مبنی بر آنها گردند و بطور کلی در چنگالشان باشند.

به این ترتیب بوسیله همین دولتهائی کشورهای عقب‌افتاده وابسته به امپریالیسم میگرددند.

در این حکومت‌ها علاوه بر تامین منافع اربابان خارجی، بورژوازی وابسته با قدرت بیسری منافعش را مستحکم میسازد.

بس خاطر اینکه این نوع دولت‌ها بنابه نیاز امپریالیسم تشکیل میشوند، هدفشان حفظ منافع سرمایه‌داران ستمگر جهانی است.

در حکومت سرمایه‌داری وابسته، بازار داخلی، جزئی از بازار جهانی است و قوانین حاکم بر آن تحت تسلط وابستگی اقتصادی به بازار جهانی سرمایه‌داری امپریالیستی است.

رژیم شاه بک رژیم وابسته بود و وظیفه حفظ منافع بنگانه رادر ایران بعهده داشت، رژیم پهلوی از لحاظ اقتصادی، سیاسی و فرهنگی

کاملاً به امپریالیسم بخصوص امریکا وابسته بود که در جریان مبارزات خلق قهرمان ما ضربات شدیدی خورد.

سؤال: چرا اینقدر به طبقه کارگر اهمیت داده میشود و میگویند فقط آنها قادرند استثمار انسان از انسان را از بین ببرند؟

جواب: طبقه کارگر بخاطر نقش مهم و سازنده‌اش جهت ساختن جامعه‌ای برابری و آزادی است که اهمیت دارد. چون آنها استثمار نموده‌ترین طبقه جامعه هستند و استثمار کارگران بر مالکیت خصوصی اسوار است، بدین جهت بیسراز هر فترت یا طبقه‌ای خواهان براداحتن مالکیت خصوصی بر وسایل تولید هستند و باید آنها را از بین ببرند. همچنین شرایط سخت و دشوار زندگی کارگران که نتیجه استثمار شدید آنها میباشد، کارگران را دسی اصلی و آنتی نایدیر طبقه سرمایه‌دار میگرداند.

بنابراین، چون کارگران دارای منافع مسرکی هستند. و به سبب جمع بودنشان در مراکز تولیدی آمادگی خوبی برای متشکل و متحد شدن دارند، و هیچ چیز ندارند که از دست بدهند و با پیروفته‌ترین شکل تولید یعنی تولید اجتماعی ارتباط دارند، اگر به آگاهی برسند، میتوانند با آخر به مبارزه خود علیه سرمایه‌داری و امپریالیسم ادامه دهند.

ولی، هر نیروی دیگری که مجموعاً همین خصوصیات را باهم نداشته‌باشد مانند خرده بورژوازی، در سیمه راه مبارزه بدام سازش با امپریالیسم می‌افتند و حتی در مقابل طبقه کارگر قرار نمیگیرند.

اما نباید فراموش کرد که سایر اقشار و طبقات مثل دهقانان و خرده بورژوازی باید همراه طبقه کارگر مبارزه کنند تا با رهبری این طبقه توان به جامعه نوین دست یافت.

سؤال: اگر دولت ابرار سرکوب طبقه سمرکراس است، دولت کارگری چه طیفی را باید سرکوب کند، و آیا کارگران به دولت مبار دارند؟

جواب: گفتیم چون سرنگونی بورژوازی فقط بدست طبقه کارگر - یا پرولتاریا - امکان پذیر است ، پس آنها قدرت سیاسی را برای خود هرگونه استثمار لازم دارند ، بنابراین هنگامی می‌توانند این کار را انجام دهند که کارگران به یک طبقه حاکم مستقل تبدیل شوند تا با مقاومت و مبارزه مداوم سرمایه‌داری و مقاومت استعمارگران را درهم بشکنند و خود را برای رهبری موده‌های زحمتکش و سکول دولتی با قدرت متمرکز آماده سازند .

آنها ارشی حلقی از موده‌ها بوجود می‌آورند که خدمتگذار سعدیدگان باشد .

در نتیجه بی‌شخص که کارگران سر بدولت‌ساز دارند ، اما دولت آنها نقطه مقابل بورژوازیست . زیرا و مطالبات برای رهائی‌همیگی زحمتکشان از استعمار . دولت کارگری بنا به حسب اجتماعین حافظ منافع اکثریت عظیم جامعه یعنی زحمتکشان است .

سؤال: طبقه کارگر چه جامعه‌ای می‌خواهد بسازد؟

جواب: در حواشی فلی ایما روشن نمودیم ولی باز هم می‌گوئیم که طبقه کارگر می‌خواهد یک جامعه نوین و بهتر بسازد که در آن به نیرومند باشد و نه فقر . همه در این جامعه باید کار کنند ، و همه‌ها نفرات کار عمومی استفاده کنند نه یک سبب سرمایه‌دار . بعضی هرگز به اندازه توانایی کار کنند اندازه احساس از رفاه جامعه برخوردار باشد . طبقه کارگر می‌خواهد به این وسیله هرگونه ظلم و ستم ، فساد و فقر و بی‌فرهنگی را از میان بردارد این جامعه نوین و آزاد را جامعه سوسیالیستی می‌گویند و اوج ترقی آنها که دیگر هیچ انزوی از طبقات در آن وجود ندارد جامعه کمونیستی می‌نامند .

اگر به اعلاسهائی که در قرن ما در گونه و کنار جهان صورت گرفته و می‌گیرید بوجه‌کنیم ، درخواهیم یافت که دینا سوی سوسیالیسم بیش می‌رود . و این بناها راه رفتن حوام ستریست .

سؤال: پس جامعه نوین با نابودی سرمایه‌داری و بوسیله انقلاب صورت  
میگیرد؟

جواب: درست است ، دولت سرمایه‌داری فقط از راه انقلاب فهرآميز  
- انقلاب کارگری - نابود میگردد و بدون آن موجود آمدن جامعه نوین  
امکان بدیر نیست .

انقلاب فهرآميز صلاح نابودی دولت سرمایه‌داری و استعمارگر است که  
از طریق آن جنبش اجنماعی راه خودش را هموار میکند و ماشین  
دولت را درهم می‌شکند .

یعنی جامعه بوسیله انقلاب از نظر اقتصادی ، سیاسی و فرهنگی ریز و  
رو و دگرگون میگردد .

سؤال: میدانیم دولت از ابزارهای مختلفی ساخته شده ، آیا برای  
نابود کردن آن ، همه این ابزارها یا هم و بیک طریق نابود می‌شوند؟

جواب: نه ، همه ابزارهای متشکله دولت را نمیتوان بیک طریق و با آهنگی  
یکسان نابود کرد ، بلکه در این میان چیزی که از همه مهمتر و حسنه  
اصلی دستگاه دولت است یعنی ابزار سرکوش را باید نابود کرد ، زیرا  
این ابزار همانطور که بیشتر گفتیم حافظ اصلی وجود دولت است و در  
هنگام برور انقلاب دولت به آن متوسل میشود .

ولی باید توجه داشت گهاین به منظور بی اهمیت جلوه دادن جنبه‌های  
دیگر نیست ، و یا اینکه تصور کنیم فقط ابزار سرکوب ، دولت را تشکیل  
میدهند . بلکه منظور اینست که همه ابزارهای دولت ، به یک طریق و  
همزمان نابود نمیگردند .

سؤال: میدانیم با هنگامی که دولت وجود دارد طبقات هم وجود دارند و  
مضاد طبقاتی از بین نمی‌رود ، پس آیا دولت کارگری هم نابود میشود؟  
چگونه؟

جواب: گفتیم ، دولت کارگری که قدرت سیاسی را بدست گرفت از آن برای  
نابودی تمام سرمایه‌داری استفاده میکند تا وسایل تولید در دست

زحمتگنان قرار گیرد. پس این دولت سرمایه‌دار است که نابود می‌گردد ولی دولت‌گاری نابود نمی‌شود یعنی با اعمال مهر سرنگون نمی‌شود بلکه این دولت زوال می‌یابد.

ولی این به چه مناسبت؟ بیا این مصداق را که وقتی دولت نهاده جدید جا می‌دهد ، در آن وقت خودش را نفی میکند ، چون دیگر احتیاجی به آن نیست ، زیرا دیگر طبقاتی وجود ندارد که سرکوب آن لازم باشد ، و نیروی سرکوبگر محو می‌شود ، طبقات از بین می‌روند و هیچ تباری به دولت باقی نمی‌ماند ، این محو شدن را اندینمندان علمی می‌گویند زوال یعنی دولت راه زوال را در پیش می‌گیرد .

سؤال: نظر شما در باره دولت کنونی چیست؟

جواب: منظور کلی مساویسم بگوئیم دولت کنونی یک دولت بورژوازی است . یعنی در خدمت منافع طبقه سرمایه‌دار عمل می‌کند .

ولی چون دولت کنونی یکبارچه نسبت به همین دلیل بطور قطعی نمی‌توان گفت که مثلا بورژوازی وابسته است زیرا در هیئت حاکمه جناحهای محلی وجود دارند که عبارتند از بورژوازی وابسته ، متوسط و حرد بورژوازی و حتی عناصر ملی . اما حرکتی که امروز در سطح جامعه‌دار دولت و هیئت حاکمه سر می‌برد ، باید همواره اینست که این بورژوازی وابسته است - که از رژیم سابق دست نخورده باقی مانده که همه دستورات را می‌دهد جناحهای دیگر هم چه خواهسته و با خواهسته می‌جویند بطرف سرمایه‌داری و امپریالیسم گنیده شوند . بعد از تمام همین ماه بعضی از بورژوازی متوسط "کبیرال" که قبلا در قدرت سهمی نداشته . دولت کنونی را تشکیل داد ، اما این موضوع به این معنا نیست که دولت تنها در خدمت منافع همین بخش است چون میدانیم دولت ماسخن تسلط یک طبقه است ، سایر اسان بعضی نمایند منافع کل بورژوازی است و حفظ منافع آنها را بعهده گرفته . از سوی دیگر چون ما بورژوازی وابسته سابق همکاری می‌کند ما را بطعاش ما امپریالیسم حفظ نمود ، گرچه

میداند بختی وابسته در صورت قدرت گرفتن او را کنار خواهد زد . چون نظام اقتصادی ایران تحت سلطه امپریالیسم است ، نمیتواند بورژوازی مستقل از امپریالیسم وجود داشته باشد و بورژوازی هد امپریالیسم ممکن نیست .

سودی را نیز که بورژوازی در ایران بدست میآورد ، به عطف زمینهایم که از نظر اقتصادی و سیاسی ، امپریالیسم فراهم نموده ، از طرفی ما امروز شاهدیم که دولت بطور سریع بسمت دیکتاتوری خشن و عربان حرکت میکند و چون در کشورهای واسعه دیکتاتوری ماهیتی امپریالیستی دارد میتوان نتیجه گرفت که هدف بورژوازی حاکم محکم کردن و بازسازی نظام سرمایه داری وابسته است ، با تغییراتی در شکل و درجه وابستگی سیاسی و بهیچ خاطر است که سعی میکند اوضاع را آرام کند و برای حفظ منافعش در مقابل طبقه کارگر آماده است .

سوال : ولی دولت ادعا میکند که انقلابی و مردمی است ؟

جواب : ما دولت را از روی ماهیت طبقاتی و اعلالی که انجام میدهد قضاوت میکنیم ، نه از روی حرف هاشی که میزند در اس چند ماهه ، شاهد بوده و هستیم که چگونه دولت با همه تلاشی خود از ایجاد بسکیلاب واقعی کارگران جلوگیری میکند ، چگونه به حواصه حلفهای تحت سم ما می توجهی کرده و اعتراضات آنها را به ندرت سرکوب میکند ، با سرعب دستگاه سرکوب سابق ، ارتش و ساواک را بازسازی میکند و از آنها بر علیه نوده های مذبذب که خواهان حسان هستند استفاده میکند . فراریادهای نظامی ، اقتصادی و سیاسی را که از طرف امپریالیسم به مردم ایران تحمیل شده لغو میکند و به سرمایه داران واسعه وام های بزرگ میدهد در حالیکه اعضاء کارگران را برای دریافت حقوقشان به گلوله می زند ، به سروهای مرفی حمله کرده ، و بدنامشان میکند . و بطور کلی حواصتهای مردم را که به خاطر رسیدن به آنها خون داده اند و میدهند ، یعنی آزادی و برابری پایعال میکند .

آیا حسن دولتی میبواند انقلابی و مردمی باشد؟

سؤال: اگر دولت ضد مردمی است، پس چرا آنها قبول دارند؟

جواب: خرده بورژوازی چون سرمایه دارد و هم‌کار میکند، دارای حملت دوگانگاست یعنی اگر اوضاع اقتصادی خراب شود بطرف طبقه کارگر کشیده میشود و اگر اوضاع اقتصادی خوب شود بطرف بورژوازی کشیده میشود. بنابراین طبقهٔ یکپارچهای نیست و االشار مختلف آن مباح سخرگی ندارند و دائم در حال تجزیه شدن است به همین علت میبواند قدرت سیاسی را خودش به سببش بدست گیرد.

ما توجه به آنچه گفته شد میبوانیم نتیجه بگیریم که چون در حرمان انقلاب، خرده بورژوازی همراه با رهیبری تسلط خود را بر آن حفظ کرده بودند، بعد از تمام قادر نبود حاکمیت خود را اعمال کند و آنها به بورژوازی لیبمرال سرود، چون بورژوازی آمال و آرزوهای آنها را میبواند برآورده سازد.

بنابراین می بینیم که دولت کنونی نتیجه واقعی قیام بوده‌ها نیست، از دلی مبارزات ضد امپریالیستی و ضد استبدادی مردم سر برنیاورده، بلکه آنها را بالا صاحب کرده و تبدیل به سدی نده در جلو حرکت و ادامه انقلاب.

اما اگر فکر می کنیم مردم آنها قبول دارند، باید بگوئیم فقط بحاطر اینست که آنها "رهبری" انتخاب کرده و حمایت میکنند. پس اعتماد و اطمینان مردم به رهبریت که دولت را باقی گذاشته، و خودشان با بگاهی در بین مردم ندارند.

ولی اینرا هم نباید فراموش کنیم که مردم برای همیشه نمیتوانند "رهبری" را قبول کنند، اگر او نتواند به خواسته‌های واقعی ستعشان جواب گوید و بر خلاف نیازهای آنان حرکت کند، روز بروز نفوذ او کم شده و سرانجام اعتماد مردم از رهبری بریده میشود.

چون موضوع بحث ما تحلیل اوضاع کنونی نیست، گذرش این مطلب

را به فرضی دیگر می‌گذاریم .

سوال : برای آخرین سوال ، میخواستم نظرات را در اس باره که اگر دولت نتواند اوضاع را بحالت عادی برگرداند امیرالمسم چه خواهد کرد . بیان کند ؟

جواب : چون امیرالمسم اوضاع فعلی ایران را ضعیف است ، اگر دولت نتواند اوضاع را طوری عادی کند که اطمنان آنها را از فروشش روحیه انفعالی مردم جلب کند امکان دارد برای حل این بحران دست به کودتا بزند ، در اس صورت چون رژیم سوی فاشیسم کشیده میشود امیرالمسم میتواند از این مسئله حوسی استفاده کرده و سیارره طبقاتی و ضد امپریالیستی مردم ما را متحرک کند چون در آن صورت همه سروها بر علیه فاشیسم بسیج میشوند . در نتیجه خطر آنسکه سیارره طبقاتی فراموش شود وجود دارد .

امیرالمسم اکنون دارد جسم برآمدهای را دنبال میکند ولی نباید از یاد ببریم که فاسیستیک طرفی فضا است . طرف دیگر اینکده ارنس در شرایط کنونی دچار تراکنندگی است و سروهای انقلابی هر روز فعالتر و هیاربر شوند . طبقه کارگر دارد شکل میگیرد و حلقهای سخت سم ما روز بروز به ماهیت هیئت حاکمه سی میبرند .  
بنابر این باید هیار بود و آگاد .

---

(کلمتوی دوم : مسئله ملی و خودمختاری)



# گفتگوی دوم: مسئله علی و خود بخناری

بازنگیر از : سازمان دانشجویان ایرانی در آمریکا هوادار  
سازمان جریکهای فدایی خلق ایران



انتشارات پیکام دزفول

بها ۲۰ ریال